

گیجی و خجالت و شرمساری از خود بروز می دهد . او برای مرتبه اول بود که از دانش عیسی نسبت به خود چنین حیران گشته بود ، چرا که او کاملاً با عیسی بیگانه و غریب بود . اما او می بایست بیشتر از این حقیقت ، شگفت زده شده باشد که عیسی ، یک معلم و استاد یهودی هنوز تمایل داشت که با وی که زنی گناهکار و سامری بود صحبت کند . می بایست حدومرزی بین آنان وجود داشته باشد که تمام احتمالات و امکان ارتباط و صحبت را از بین ببرد . اما مشخص است که برای عیسی مهم نیست که ما چه کرده ایم ، او هنوز هم به ما رغبت دارد . هیچ زندگی بشری آنقدر آشفته و پر از بدی نیست که برای او مشکل باشد یا او را مغلوب سازد .

لیکن سر گشتگی و حیرانی آن زن با شرمساری و خجالت همراه شده بود ، زیرا صحبت عیسی با وی بطرف چیزهایی میل کرده بود که او واقعاً ترجیح می داد در مورد آنها صحبتی نکند . توضیحات عیسی او را ناراحت و نا آرام ساخته بود . بنابراین آن زن سعی کرد تا موضوع صحبت را به چیزی سهل تر و دارای حاشیه امنیتی بیشتر تبدیل کند و آن سوال از عیسی در مورد پرستی مذهبی بود . همیشه آسان تر است که میانی آموزه ای و مباحث الهیاتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد تا اینکه شخصی در گیر مسائل و مشکلات زندگی خصوصی دیگران گردد . بنابراین آن زن سامری از عیسی پرسید که محل مناسب پرستش از نظر او در کجاست ، که این پرسش اشاره ای داشت به اختلاف نظر بین یهودیان و سامریان در مورد محل پرستش . عداوت و دشمنی آنان ~~بر~~ ترکیبی از بحران نژادی ، اختلاف مذهبی و تقابل و تضاد سیاسی بود که مستقیماً ریشه در کتب عهد عتیق یعنی عزرا و نحمیا داشت . عیسی به سوال آن زن جوابی بر پایه مبحثی بس فراتر از مباحثات و مشاجرات محلی به وی داد که ژرفای حقایق در مورد هم خدا وهم ذات پرستش حقیقی را بر ملا می کرد : ( یوحنا ۴ : ۲۱-۲۶ )

### آنچه خدا بیشتر می پسندد

بنظر می رسد که بسیاری از مردم دارای مطالبات و نیازهای گوناگون و فراوانی هستند . من در مورد این شعار قدیمی نیروی دریایی آمریکا فکر می کنم که می گفت : " ما در جستجوی تعداد مرد خوب و با شهامت و کار آمد هستیم " . برخی از مردم تواناییها و قابلیت‌هایی داشتند که واقعاً برای آنان برگ برنده بود و مهارتهایی که فراتر از حد انتظار می نمود . اما آیا شده خطه ای فکر کنید که خدا نیز جویای چنین مردمانی است ، کسانی که مهارتهایی ویژه دارند ؟ بنا به فرمایش عیسی آنچه خدا بیشتر می پسندد این است که مردمانی را بیابد که او را پرستش خواهند کرد . در دنیای انسان مدار ، وی در جستجوی مردمانی خدا محور است . در بین نسل بشر جایی که اکثریت فراوانی از آنان ، زندگی‌شان حول خورشید نفس خویش می گردد ، خدا بدنبال اشخاص متفاوت است

## مواجهه با عیسی زن سامری ( یوحنا ۴ : ۹ - ۲۶ )

در ترویج دریایی آمریکا رسم بر این بود که می گفتند : "در جستجوی تعدادی مرد خوب و با شهامت و کار آمد هستیم". آیا این شما را به میجان نمی آورد که بدانید خدا نیز در جستجوی انسانهایی اینچنین است؟ ( یوحنا ۴ : ۱۹ )

روزی عیسی از میان سامره می گذشت ، مسیر او از یهودیه بطرف جلیل بود و از آنجا که هوا گرم بود ( مانند همیشه ) و مسیر جاده نیز خاکی و غبارآلود ( مطابق معمول ) حوالی وسط ظهر او برای نوشیدن آب و استراحت توقف کرد . عیسی خسته از مسافرت ، شاگردانش را برای خرید غذا فرستاد و کنار چاهی درست بیرون دهکده ای کوچک به نام سوخار نشست و منتظر کسی بود که آمده از چاه آب بکشد و کمی به او بدهد . بعد از اندکی زنی برای کشیدن آب از چاه به آنجا نزدیک شد و آنها مشغول گفتگو شدند .

### زنی در کنار چاه آب

( یوحنا ۴ : ۷ - ۱۵ )

در این مواجهه برجسته و بارز با یک زن سامری ، عیسی صحبتی را در مورد خویش شروع می کند . او از نشانه دست به نقد آب حیاتبخش استفاده می کند تا علائق آن زن را تحریک کرده و چیزی از هویت اصلی خویش را بدو بازگو فرماید . عیسی خود آب حیات است ، آبی که حیات جاودان می بخشد . آن زن شخصی دغل باز و دسیسه چین بود ، اگر چه بنوعی هم از استعاره ها و ایجاز مسیح ، سر در گم بود . سپس عیسی موضوع صحبت را تغییر داد و شروع به صحبت در باره خود آن زن فرمود .

او به زن فرمود : ( یوحنا ۴ : ۱۶ )

آیا این رویکردی دوباره و جذاب یک مکالمه نیست ؟ این رویکردی بود به این که زندگی این زن سامری آشفته و نابسامان بود ، و بیشتر آن در پی تعدد شوهران ، از بین رفته بود و او در آن دوره در ارتباطی گناه آلود و زناکارانه بسر می برد . ممکن است او حتی یک فاحشه بوده باشد ، اما به هر حال هر وضعیتی داشته ، این زن بشدت سعی در مخفی کردن آن داشت . البته او هیچ چیز را از دید خداوند عیسی نمی توانست پنهان دارد ، زیرا خداوند مستقیماً به قلب او متمرکز شده بود . او به کانون شخصیتی وی وارد شده بود و می دید که چه چیزهایی در آن شخصیت و در آن محور قرار دارد . هنگامی که عیسی شروع به صحبت با آن زن در باره زندگی وی می فرماید ، آن زن واکنشی توأم از سرشکستگی و

غیران

توجه بر این دارد

• افرادی زنجیر نفس خود را پاره کرده و زندگانی آنان بدور خدا در چرخش است .  
پرستش یعنی تصدیق و قبول کردن خدا به عنوان عالیترین و بهترین . برای پرستش خدا احتیاج است زندگیمان را برای او به عنوان مرکز توجه سر و سامان دهیم . این موضوع نیاز به این دارد که ما هر چیز را که ضد خداست ترک گفته و از نسبت دادن به او بپرهیزیم ، و خودمان را مشغول تمام چیزهایی کنیم که او را خوشنود کرده و آنها را بدو نسبت دهیم . در این صورت است که الفبای اولیه پرستش شکل می گیرد .

کلمه پرستش ارزش آن شخص مورد پرستش را بیان می کند . پرستش یعنی افتخار کردن و بلند کردن شخصی که واقعاً ارزشمند است . یکی از ترجمه های لغت پرستش در عهد جدید بکار رفته است ، " خم شدن روی زانوان " می باشد که معمولاً در پیشگاه شخصی مهم انجام می گیرد . پرستش چیزی بس فراتر از گپ زدن با خداست ، یا فرا خواندن وی بعنوان یک دوست و یا اور می باشد . پرستش حقیقی نمی تواند واقعاً بین دو همسان یا رفیق شکل بگیرد بلکه پرستش مبنا و زیر ساخت تابعیت و وفاداری یک مخلوق مدیون به خالق خویش است . شما تنها می توانید آنکه را که در و رای شماست پرستش و بندگی نمایید . پرستش ، همانگونه که از کلام خدا می دانیم ، فعالیت و کار در بهشت است . این آن عملی است که نجات یافتگان به منجی و خداوند خویش تقدیم می دارند . همین حالا تمام فرشتگان دربار ملکوت خدا و انسانهای نجات یافته ، در پیشگاه تخت پادشاهی خدا بروی خود افتاده و غرق در خوشی و حوت ، عشق و محبت و شکر گذاری ، او را عبادت کرده و می سرایند . (مکاشفه باپهای ۴ و ۵) بینش و درون بینی که عیسی در این قسمت در مکانه اش با آن زن سامری در کنار چاه بیان و ارائه می کند حاکی از این است که خدا واقعاً سرگرم و علاقمند جستجو و یافتن مردمانی است که در همه حال و در همه جا شروع به انجام کاری بر زمین نمایند که از قبل در ملکوت اتفاق افتاده و ادامه دارد : پرستش او در روح و راستی .

### جای پرستش

بنابراین دوست عزیز پرستندگانی که خدا در جستجوی آنان است ، کسانی هستند که از راه صحیح و مشخصی پرستش و عبادت می کنند ، یعنی " در روح و راستی " . منظور عیسی از این گفته چه بود ؟ در نگاهی گذرا ، این طور بنظر می آید که عیسی روشی صحیح از چگونگی پرستش ارائه می دهد . شما دیگر نباید از روشهای کهنه و مربوط به خلقت کهنه استفاده کنید ، بلکه بایستی از روشی ویژه استفاده نمایید که این روش همان در روح و راستی است . این خط مشی و روش پرستش بسوی می دهد : چگونه آنرا باید انجام داد؟ آیا ممکن است این دو مبحث " روح و راستی " به چگونگی درون ما مرتبط باشد ؟ آیا

دینی

عیسی می فرماید که در راستای پرستش درست ، ما پیوریم ابتدا خدا را با روح خویش یا با روشهای روحانی پرستش نماییم . آیا معنای پرستش " در روح " این است که عبادتهای ما بسوی خدا بایستی از روی خلوص نیت برخاسته باشد . در درون ما و نه صرفاً چیزی از بیرون یا برخاسته از حرکات ظاهری باشد ؟ و در مورد پرستش در راستی - آیا این بدان معناست که تقرب ما به خدا بایستی حقیقت در مطلب و اعتقاد باشد ؟ آیا مهم است که ما آموزه های صحیح در راستای تقدیم پرستش برای خشنودی خدا داشته باشیم ؟ از مجموع این کیفیتها چنین استنباط می گردد که پرستش واقعی و درست آن گونه از پرستش است که هم صادقانه و شرافتمندانه و هم برخاسته از قلب و هم بر پایه کتائقدس باشد .

اینها به اندازه کافی درست و صحیح هستند . ما بایستی در دعا صادق و واضح و متمرکز باشیم . افکار ما و کلمات ما زمانی که خدا را در پرستش جلال می دهیم بایستی از حقایق کلام خدا شکل گرفته باشد . اما من تصور نمی کنم زمانی که عیسی می فرماید ما بایستی در حقیقت و راستی پرستش نماییم ، اشاره به خصیصه ها و ویژگیهای درونی ما ~~از افکار خوب و لازم~~ اجرا که در درون ما ممکن است وجود داشته باشد! . پس منظور او واقعاً چیست ؟

اجازه دهید بخاطر آوریم چیز مخصوصی که عیسی در مورد آن صحبت می فرماید. بیاد آورید که آن زن سامری سعی کرد که عیسی را با پرسش مذهبی ، پرسشی انهیاتی و آموزه ای بدام اندازد و خداوند حالا به این پرسش پاسخ می دهد . این پرسش در مورد محل پرستش بود . " محل مناسب پرستش کجاست " ، این چیزی بود که آن زن می خواست بداند . آیا این محلی است در این کوه چنانکه ما سامریان اعتقاد داریم ، یا جایی در معبد اورشلیم چنانکه شما یهودیان باور دارید ؟ عیسی در پاسخ فرمود : هیچکدام . و سپس او اضافه فرمود : زمانی می آید بلکه الان است که پرستش واقعی به پدر وابسته به ساختمان یا محل و یا چیزهای قابل لمس و دید نخواهد بود . این پرستش در جای مخصوص انجام خواهد گردید . خیر ، بلکه حقیقت این است که ، پرستش حقیقی آنستکه توسط انسانی ویژه انجام گردد . چیزی جدید و عظیم ، تفاوت رویایی که بدین مفهوم است که زمان برای تبدیل آمده است ، و آن حضور پر جلال عیسی در دنیا است . او کلید پرستش خدا در روح و در راستی است . روح یعنی در روح او یا روح القدس ، روح مسیح . حقیقت نیز خود عیسی است . کلمه جسم گرفته و جسم خدا ، عیسی مسیح ، راه ، راستی و حیات . تمام کسانی که می خواهند به نزد پدر در آیند حتماً و قطعاً بایستی بوسیله او ، از طریق او و در او اینکار را بکنند .

بنابراین دیگر مهم نیست کجا پرستش می کنیم ، زیرا هر جا که دو یا سه نفر به نام عیسی جمع شوند او در میان ایشان خواهد بود . خدا محدود در هیچ محلی نیست و در هیچ جایگاه

ساخته شده به دست انسان ساکن و محدود نمی گردد . دیگر مهم نیست که معبد یا کلیسایی داشته باشیم ، زیرا بدنه های ما دیگر جایگاه حضور خدا و روح القدس می باشد . خدا دیگر در ساختمانی که بدنه های انسان ساخته شده باشد زندگی نمی کند . او در میان و در درون ما ساکن می گردد ، و ما در مسیح در او ساکن خواهیم شد . پس این پرستش راست است : پرستش در روح و در راستی ، پرستش خدای پدر ، در و از طریق پسرش بوسیله قدرت روح اوست .

به این موضوع فکر کنید . خدا خود در جستجوی قومش است . هر کس که باشند ، هر جا که یافت گردند ، و هر کس که او را از این راه پرستش نماید . آیا شما چنین شخصی هستید ؟